

## تحلیل روایت غدیر در کتاب مناقب خوارزمی؛ باتکیه بر تفاوت مفهومی حب با ولی

صغری فهیمی<sup>۱</sup>

### چکیده

روایت غدیر و نقل آن مورد توجه نویسندگان شیعه و اهل سنت است. خوارزمی از نویسندگان اهل سنت در کتاب مناقب امیرالمؤمنین به روایات غدیر اشاره دارد. مطرح کردن روایت غدیر و روایات حب و بغض در جایگاه‌های خاص خود بیانگر تفاوت مفهومی بین واژه ولی و حب از نظر نویسندگان است. اگر این دو واژه یک مفهوم داشتند، بایسته بود هر دو دسته روایات را در یک بحث مطرح می‌کرد. اعتماد خوارزمی به صحت روایات سبب شده است تا در مقدمه بحث، مضمون روایات را به زبان خود برای تمجید از حضرت علی علیه السلام ذکر کند. پژوهش حاضر به روش تحلیلی- تاریخی و به شیوه بررسی سندی- محتوایی با هدف تحلیل روایت غدیر در کتاب مناقب خوارزمی انجام شد. بدین منظور منابع روایی، مناقب‌نگاری، فتوح‌نگاری و رجالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان بررسی روایات غدیر در کتاب مناقب خوارزمی نشان داد که خوارزمی به صحت صدور روایت غدیر اعتماد داشته است و در ساختار کتاب او جایگاه روایات غدیر و مفهوم واژه ولی با مفهوم و جایگاه واژه حب تفاوت دارد. واکاوی محتوایی روایت و تطبیق روایات غدیر با روایاتی که واژه حب در آنها به کار رفته است تفاوت مفهومی این دو واژه را نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** روایت غدیر، مفهوم حب، مفهوم ولی، مناقب

امیرالمؤمنین علیه السلام، روایت غدیر در کتاب خوارزمی.

## ۱. مقدمه

واقعه غدیر و بحث جاننشینی پیامبر ﷺ از مباحث مهم تاریخ اسلام است. روایت غدیر به دلیل وضعیت سیاسی ازسوی برخی تاریخ‌نگاران مورد بی‌توجهی قرار گرفت، اما برخی از نویسندگان به آن توجه داشتند. از جمله، خوارزمی در **کتاب مناقب** خود روایت غدیر را آورده است. این کتاب از آثار ارزشمند قرن ششم است. فضای سیاسی و گرایش‌های مذهبی در خلق چنین آثاری نقش مهمی داشتند. خوارزمی با بیان فضایل بسیاری از حضرت علی علیه السلام در ۱۲ روایت به واقعه غدیر و کلمه ولی اشاره کرده است. تفاوت جایگاه کاربرد واژه محبت با واژه ولی نشان‌دهنده تفاوت مفهوم این دو واژه است. بنابراین، بررسی سندی و محتوایی روایات غدیر و جایگاه آن در **کتاب مناقب** و وجود روایات سفارش پیامبر ﷺ به حب حضرت علی علیه السلام در جایگاه دیگر، روشن‌کننده تفاوت مفهومی این دو واژه و توجه اهل سنت به واقعه غدیر است. جایگاه واقعه غدیر در بین شیعیان سبب شده است که تحقیقات فراوانی در این زمینه انجام شود. غدیر در منابع اهل سنت مورد توجه اندیشمندان بوده است. درباره غدیر در **کتاب مناقب خوارزمی** به طور خاص مقاله یا کتابی یافت نشد. تحقیقاتی در مورد **کتاب مناقب خوارزمی** انجام شده است. حسن انصاری **کتاب مناقب خوارزمی** را نسخه‌شناسی کرده است (انصاری، ۱۳۹۰). پژوهش خاص دیگری به جز ترجمه و شرح این کتاب یافت نشد. تحقیقاتی درباره روایت غدیر به طور عام وجود دارد که نویسندگان به آن پرداختند؛ برای مثال قاسم بستانی (بستانی، ۱۳۸۵) در مقاله‌ای معیارهای نقد حدیث غدیر را یادآوری کرده است. او با بررسی سندی، یافتن شواهد و قرائن، ثابت می‌کند که این روایت در منابع اهل سنت متواتر و یا حداقل در حد مستفیض است.

کتاب **غدیر خم و پاسخ به شبهات از منابع اهل سنت** (انصاری، ۱۳۸۱) به شبهاتی که اهل سنت بر روایت غدیر وارد کرده‌اند با بهره‌گیری از منابع اهل سنت پاسخ داده است. یکی از مهمترین منابع اهل سنت که روایت غدیر را بررسی می‌کند کتاب **الغدیر** علامه امینی است. تکیه‌گاه علامه امینی در این کتاب منابع اهل سنت است. او به‌گونه‌ای روایت را نقل می‌کند که خود وارد نقد می‌شود و چنین روشی سبب می‌شود که نقدکننده پاسخ خود را دریافت کند (زینلی، ۱۳۷۶). بررسی روایات واقعه غدیر در **کتاب مناقب خوارزمی** بیانگر میزان



اهتمام نویسنده در نشان دادن واقعیت تاریخی است. برای فهم دقیق مباحث غدیر در **مناقب خوارزمی** ضروری است تا روایت غدیر در این کتاب نقد و بررسی شود. هدف نقد سندی روایت، ردیابی آن در منابع دیگر، بیان تفاوت مفهومی واژه ولی با حب و نشان دادن جایگاه هرکدام از مفاهیم در این کتاب است. در بررسی سندی راویان با استفاده از منابع رجالی، میزان وثاقت راویان مشخص می‌شود.

## ۲. معرفی کتاب مناقب خوارزمی

موفق بن احمد بن محمد ابو مؤید مکی حنفی (۵۶۸-۴۴۸) در خطابه ماهر بود. او ادیب، شاعر و حافظ **قرآن** بود و به خطیب یا اخطب خوارزم شهرت داشت. وی در فقه، حنفی مذهب بود (**منتجب الدین**، ۱۳۶۶) و در عقاید، گرایش به اشعری داشت. او برای آموختن علم به مناطق مختلف مانند فارس، عراق، حجاز، مصر و شام مسافرت کرد. خوارزمی از محضر اساتیدی مانند جارا لله زمخشری بهره برد و فرزندش، احمد المؤمنید و ابن شهر آشوب از شاگردان او بودند (**خوارزمی**، ۱۳۸۱). اگرچه خوارزمی از اهل سنت بود، اما به خاندان اهل بیت علیهم السلام گرایش داشت. تألیفات وی مانند **کتاب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام** و **مقتل الحسین** میزان گرایش او را مشخص می‌کند. خوارزمی در مقدمه کتاب **مقتل الحسین** می‌نویسد: «اگر به دلیل تأخر زمانی نتوانستم در رکاب حسین بن علی باشم و به او کمک کنم، دوست دارم با قلم و بیانم با دشمنانم بجنگم و مجموعه‌ای از لعن برای قاتلانش به وجود بیاورم تا در روز قیامت جدش شفاعتم را بکند» (**خوارزمی**، ۱۳۸۱، ص ۱۹). به نظر می‌رسد وضعیت سیاسی و اجتماعی قرن ششم یکی از عوامل تأثیرگذار بر به وجود آمدن چنین رویکردی است؛ زیرا شهر خوارزم در قرن ششم زیر نظر حکومت خوارزمشاهیان بود. بعضی از سلاطین مانند قطب الدین و پسرش اتسز (**مستوفی هروی**، ۱۳۷۲) برای ائمه علیهم السلام، سادات و علما احترام قائل بودند. علم و دانش در زمان آنها رونق فراوان داشت (**گروهی از نویسندگان**، ۱۳۸۸، ۶۶۶/۱). مستوفی هروی مترجم **کتاب الفتوح بن اعثم** درباره قطب الدین در مقدمه کتاب خود آورده است: «کسی که اسباب و وسایل علم آموزی را فراهم می‌کند و به تربیت عالمان و ایجاد مدارس و جمع کردن کتب اهمیت می‌دهد اگر هزاران مشغله داشته باشد هنگامی که سخن از یک مطلب علمی به میان می‌آید همه کارهای خود را رها می‌کند و





به آن سخن گوش می‌داد. او به تاریخ و اخبار توجه فراوانی دارد. در سال ۵۹۶ هجری قمری از من خواست تا کتاب الفتوح را ترجمه کنم» (مستوفی هروی، ۱۳۷۲). خوارزمی در چنین فضایی، کتاب مناقب حضرت علی (علیه السلام) را می‌نویسد. این کتاب از آثار ارزشمندی است که شهرت آن در میان شیعیان بیشتر از سنیان و حتی سنیان حنفی است. بنابر گفته انصاری، کتاب مناقب خوارزمی در ۲۷ فصل است. نام کتاب در برخی نسخه‌های آن، الفصول السبعة والعشیرین فی فضائل امیر المؤمنین است. او می‌گوید: «آنچه تاکنون از نسخه‌های این کتاب در میان زیدیان دیده‌ام همه بدین نام بوده‌اند. این کتاب علاوه بر شیعیان امامی در نزد زیدیان هم متداول بود. اکنون نیز نسخه‌هایی از این کتاب در کتابخانه‌های زیدی و یمنی موجود است. کهن‌ترین نسخه کتاب مناقب، همان نسخه وزیر یزد است که چاپ قم هم براساس آن صورت گرفته، اما این چاپ اغلاط سندی و متنی دارد. چاپ قدیم‌تر نجف، اغلاط بیشتری دارد (انصاری، ۱۳۹۰).

### ۳. حضرت علی (علیه السلام) از دیدگاه خوارزمی در کتاب مناقب امیر المؤمنین

#### ۳-۱. شخصیت حضرت علی (علیه السلام) در کتاب مناقب خوارزمی

خوارزمی در کتاب خود از منظرهای مختلف ویژگی‌های حضرت علی (علیه السلام) را بیان کرده است. وی برتری حضرت علی (علیه السلام) را نسبت به دیگر صحابه می‌پذیرد. به همین دلیل فضایل بسیاری برای ایشان در ابتدای کتاب ذکر کرده است. (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) از دیدگاه خوارزمی، حضرت علی (علیه السلام) انسانی عادی مانند سایر انسان‌هاست؛ این نکته از روایات او مشخص می‌شود. او گاهی روایت‌های متضادی درباره شخصیت حضرت علی (علیه السلام) ذکر کرده است. در مورد ایمان آوردن حضرت علی (علیه السلام) هم می‌گوید که حضرت علی (علیه السلام) اولین فرد ایمان آورنده به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق). گزارش دیگر، شکایت بریده اسلمی از امام علی (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حمایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ایشان است: «حضرت علی (علیه السلام) در جنگی به کنیزی دست یافت. دیگران ناراحت بودند و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) شکایت کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: "با علی چه کار دارید؛ علی از من است و من از علی و او ولی هر مؤمنی است"» (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۵۰). همچنین فردی به نام عمرو که از اصحاب حدیبیه بود ابتدای ورود به مدینه در مسجد در بین مردم از حضرت علی (علیه السلام) شکایت کرد. زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را دید به دلیل بدگویی از

امام علیه السلام در مسجد به او فرمود: «هرکس علی علیه السلام را بیازارد مرا آزاده است» (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۸۱). چنین گزارش‌هایی که با سیره و شخصیت حضرت علی علیه السلام همخوانی ندارد مورد تردید است، اما نویسندگان اهل سنت که به عصمت و علم امام علیه السلام اعتقاد ندارند، بدون جرح و تعدیل روایت را ذکر می‌کنند. خوارزمی نیز مانند دیگر نویسندگان اهل سنت این روایات را در کنار روایات مدح امام علیه السلام بیان می‌کند.

### ۲-۳. واژگان کلیدی در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر انتخاب جانشین

برخی از واژه‌ها و عبارات‌ها در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله به طور ضمنی جانشین را معرفی کرده است. این واژگان که در مناقب خوارزمی آمده‌اند عبارتند از:

- عبارتهایی که به معیار حق بودن<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام اشاره دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله در روایات فراوانی امام علی علیه السلام را معیار حق معرفی کرده است و مردم را به تبعیت از ایشان سفارش می‌کند. نویسنده امام علی علیه السلام را تنها فردی معرفی می‌کند که مردم را از فتنه‌ها نجات می‌دهد. (ر.ک.، خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۰۷ تا ۱۱۰)

- عبارتهایی که مفهوم جانشین<sup>۲</sup> را می‌رساند ۳۶ بار در این کتاب استفاده شده است؛ کلماتی مانند وصی، وارث، بهترین جانشین، وزیر و بیان حدیث منزلت. پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث منزلت را به مناسب‌های مختلف بیان کرده است و خوارزمی نیز به آنها اشاره دارد. در حدیث منزلت، پیامبر صلی الله علیه و آله تصریح دارد که امام علی علیه السلام جانشین من است همان‌گونه که هارون جانشین موسی علیه السلام بود. شاید عده‌ای این روایت‌ها را مخصوص زمان رسول الله بدانند و بگویند پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی می‌خواست برای امری به بیرون مدینه برود از امام علی علیه السلام به عنوان جانشین استفاده می‌کرد، اما این بدان مفهوم نیست که می‌خواست برای پس از خود جانشین انتخاب کند. چنین برداشتی از عمل و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح نیست؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث منزلت به مسئله جانشینی اشاره دارد و جایگاه هارون

۱. سیزده روایت درباره حق بودن حضرت علی علیه السلام آمده است که هفت روایت آن درباره معیار حق بودن علی علیه السلام است (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق). «علی باقران و قرآن با علی است تا قیامت از هم جدا نمی‌شوند». (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۰۷ تا ۱۱۰) همچنین روایتی در جنگ صفین که از پیامبر نقل می‌کند که علی معیار حق است و باید همراه او باشید، معیار حق بودن از قول عمار یاسر این است که همراه علی باشید (ر.ک.، خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۰۷ تا ۱۱۰).

۲. در سه روایت عبارت برادرم و وزیرم و جانشینم (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۲۱) و در دوازده روایت کلمه وصی آمده است (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۷۱). این کلمه در برخی روایات به صورت وارث آمده است (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۷۸). در پنج روایت استفاده از حدیث منزلت (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۱۷۸)، یک روایت جانشینی با عنوان پینه زدن کفش (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، روایت ۲۴۳)، سه روایت درباره خواندن سوره برائت در حج (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۶۲) آمده است.



را در نزد حضرت موسی علیه السلام برای جانشین مطرح می‌کند. انتخاب امام علی علیه السلام برای خواندن آیات اولیه سوره برائت برای حجاج می‌تواند یکی از مصادیق مفهوم جانشینی باشد (خوارزمی، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۶۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ۱۲۳/۳).

آیه تطهیر، اهل بیت بودن امام علی علیه السلام را نشان می‌دهد. (خوارزمی، ۱۴۱۱ ه.ق؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ۱۹۵/۵) واژه «انفسنا» در آیه مباحثه (خوارزمی، ۱۴۱۱ ه.ق؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۶۴۲/۸) بر حقانیت حضرت علی علیه السلام دلالت دارد. این دو آیه به طور ضمنی مفهوم جانشینی حضرت علی علیه السلام را می‌رسانند. مهمترین ویژگی که آیه تطهیر بیان می‌کند عصمت اهل بیت علیهم السلام است (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳/۱۰، ۴۴۴/۱). این ویژگی یکی از ملازمات رهبری جامعه است. سنت قرآن به گونه‌ای است که وارث پیامبران را فردی از خودشان و یا فرزندانشان می‌داند. برای مثال می‌توان به ماجرای حضرت داوود علیه السلام، حضرت سلیمان علیه السلام (ر.ک.، نمل: ۱۶) و یا حضرت موسی و هارون (ر.ک.، فرقان: ۳۵) اشاره کرد. قرآن پیش‌بینی و یا حتی اشاره‌ای به جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نکرده است. به همین دلیل مورخان غیراسلامی در این مورد کمتر اظهار نظر می‌کنند. در مورد حفظ پیوندهای خویشاوندی، وراثت، خلافت پیامبران سلف و خاندان‌های آنها مطالبی در قرآن آمده است که نمی‌تواند با جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بی‌ارتباط باشد. در آیاتی از قرآن به رعایت حق ذی‌القربی در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سفارش شده است. مطالعه آیاتی که در این مورد در قرآن آمده است سیر آیات را به سمتی هدایت می‌کند که نشان دهنده جایگاه امام علی علیه السلام برای جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ یعنی فرد جانشین جز امام علی علیه السلام کس دیگری نمی‌تواند باشد (مادلونگ، ۱۳۷۷).

کاربرد واژه ولی و مشتقات آن برای انتخاب جانشین: این واژه یکی از اصطلاحاتی است که رابطه مستقیم با مفهوم جانشینی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

### ۳-۳. روایت غدیر در کتاب مناقب خوارزمی

#### ۳-۳-۱. بررسی سند روایت غدیر

#### اول، بررسی راویان و شیوه‌های روایت

خوارزمی در مباحث مقدماتی حدود ۶ صفحه، فضایل حضرت علی علیه السلام را آورده است. وی با بیان فضایل، واقعه غدیر را آورده است. همچنین در هفت روایت، واقعه غدیر و در

سه روایت، بحث ولی بودن حضرت علی علیه السلام را مطرح کرده است. شیوه شش روایت به صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحاب حضرت علی علیه السلام می‌رسد. یکی راویانی که واقعه غدیر را دیده بودند و در منابع رجالی شیعه توثیق شدند ابوهیریه است. اگرچه این فرد از جاعلان حدیث است (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۷۱/۷، خوبی، ۸۰/۱)، این گزارش در تأیید واقعه غدیر است و ابوهیریه دلیلی برای جعل روایت نداشته و واقعیت را بیان کرده است. راویان روایت غدیر از صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابی حضرت علی علیه السلام بودند که عبارتند از: پدر عبدالرحمن بن ابی لیلی<sup>۱</sup>، ابی سعید خدری<sup>۲</sup>، زیدبن ارقم<sup>۳</sup>، ابی هریره<sup>۴</sup>، سعیدبن وهب<sup>۵</sup>، عبد خیر<sup>۶</sup> و اصبع بن نباته<sup>۷</sup>. از بین هفت صحابی، ابوهیریه وثاقت کافی ندارد. این عدم وثاقت به دلیل شیوه‌های دیگر روایت غدیر، مقایسه روایات با یکدیگر و عدم مغایرت لفظی و مفهومی در بین روایات به اعتبار روایت غدیر خدشه وارد نمی‌کند.

سلسله سند روایت اول (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) عبارتند از: علی بن الخزاز<sup>۸</sup> عن الحسن بن علی الهاشمی<sup>۹</sup> عن اسماعیل بن ابان<sup>۱۰</sup> عن ابومریم<sup>۱۱</sup> عن ثویر بن ابی فاخته<sup>۱۲</sup> عن عبدالرحمن بن ابی لیلی از پدرش. همه راویان در این سلسله سند، ثقه هستند. (ر.ک. جدول ۱) این روایت توسط علی بن موسی خزار (۳۲۲ م) صاحب کفایه الاثر مکتوب شده است.<sup>۱۳</sup> شیخ طوسی

۱. از اصحاب حضرت علی علیه السلام و پدرش صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. حجاج او را مجبور به سب حضرت علی علیه السلام کرد. او مقاومت کرد و مورد ضرب و شتم حجاج قرار گرفت. (کشی، ۱۴۴ هـ.ق، ۱۰۰/۲)
۲. ابوسعید خزر جی و از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله جزو قاعدین شد. مدتی بعد پشیمان شده و از حضرت علی علیه السلام عذرخواهی کرد و از اصحاب او شد. (کشی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۰۰/۱)
۳. زیدبن ارقم از اصحاب حضرت علی علیه السلام بود. (ابن داود حلی، ۱۳۴۲ هـ.ق، ص ۱۶۲)
۴. از صحابه بوده است. در کتب رجالی او هم توثیق شده و هم تردید در روایاتش وجود دارد. (نجاشی، ۱۳۶۵)
۵. از اصحاب حضرت علی علیه السلام بود. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۶۷؛ خوبی، ۱۴۱۰، ۹۳/۸)
۶. از اصحاب حضرت علی علیه السلام بود. (برقی، ۱۳۴۲؛ خوبی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۸۶/۹)
۷. از اصحاب خاص حضرت علی علیه السلام بود. (نجاشی، ۱۳۶۵). کتاب مقتل الحسین از اوست (طوسی، ۱۴۲۰ هـ.ق).
۸. علی بن موسی خزار، کتاب داشت که جعابی و شیخ طوسی در امالی از او نقل کردند. این روایت توسط او مکتوب شد. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴۸۶/۵)
۹. حسن بن علی الهاشمی در کتب رجالی درباره او چیزی نگفتند و او را جرح و تعدیل نکرده‌اند. مشابهت نام او با امام حسن علیه السلام باعث چنین امری شده است. (مامقانی، ۱۴۳۱ هـ.ق، ۲۷۳/۲۰)
۱۰. اسماعیل بن ابان را رجال‌شناسان ثقه دانستند. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۳۱۴/۴)
۱۱. ابومریم ثقه و از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام است. (کشی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۶۳/۸)
۱۲. بانام راوی در روایات مطرح است. او از موالی ام هانئ دختر ابوطالب و ملقب به ابالجهم بود. او عمری طولانی داشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۳۰/۶)
۱۳. علی بن موسی خزار، کتاب داشت که جعابی و شیخ طوسی در امالی از او نقل کردند. این روایت توسط او مکتوب شد. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴۸۶/۵)



روایت غدیر را از قول او نقل کرده است. راویان روایت دوم (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) الحافظ ابوبکر ابن مردویه<sup>۲</sup>، اجازه حدثنی جدی حدثنی عبدالله بن اسحاق البغوی<sup>۳</sup>، حدثنی الحسن بن علیل العنزی<sup>۴</sup>، حدثنا محمد بن عبدالرحمن الذراع حدثنا قیس بن حفص<sup>۵</sup>، حدثنی ابوالحسن العبدی<sup>۶</sup> عن ابی هارون العبدی<sup>۷</sup> عن ابی سعید خدری. راویان ازسوی رجال شناسان شیعه و اهل سنت توثیق شدند که توسط ابن مردویه در قرن سوم در منابع مکتوب ثبت شده است.<sup>۸</sup>

روایت سوم (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) با سلسله سند: خلف بن سالم<sup>۹</sup> حدثنا یحیی بن حماد<sup>۱۰</sup> حدثنا ابو عوانه<sup>۱۱</sup> عن سلیمان الاعمش<sup>۱۲</sup> حدثنا حدثنا حبیب بن ابی ثابت<sup>۱۳</sup> عن ابی الطفیل از زید بن ارقم است. این روایت توسط خلف بن سالم (۲۳۱ م) در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم ثبت و ضبط شده است.<sup>۱۴</sup> شیوه روایی او نیز از افراد موثق تشکیل شده است. (ر.ک. جدول ۱) افراد روایت چهارم (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) تشکیل شده اند از: احمد بن عبدالله البزاز<sup>۱۵</sup> حدثنا علی بن سعید الرقی، حدثنی ضمیره<sup>۱۶</sup> عن ابن شوذب<sup>۱۷</sup> عن مطر الوراق<sup>۱۸</sup> عن شهر بن حوشب

۱. ان النبی ﷺ: «یوم دعا الناس الی غدیر خم، امر بما کان تحت الشجرة من الشوک فقم و ذلک یوم الجمیس، ثم دعا الناس الی علی فأخذ یضعه فریعها حتی نظر الناس الی بیاض ابطه، ثم لم یتفرقا حتی نزلت الیوم أکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا فقال رسول الله ﷺ: الله اکبر علی اکمال الدین، و اتمام النعمة، و رضی الرب برسالاتی، و الولاية لعلی، ثم قال: اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله». (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق)
۲. ابن مردویه در حدیث شناسی تخصص و مصنفاتی در تاریخ و تفسیر قرآن داشت. سال ۴۰۶ از دنیا رفت. او در کتاب خود روایت غدیر را به نقل از جدش ثبت کرده است. دو نسل قبل از خود که حدود قرن سوم می شود. (ابو مخرمه، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۳/۲۲۶)
۳. البغوی، ملقب به لؤلؤ و ثقه است. (مامقانی، ۱۴۳۱ هـ.ق، ۱۳/۹)
۴. حسن بن علیل عنزی را رجال شناسان توثیق کردند. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۷/۲۷۶۸)
۵. قیس بن حفص ثقه است. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۳/۴۵۵۷)
۶. علی بن حسن العبدی از اصحاب امام صادق (ع) و کوفی بود. (تفرشی، ۱۳۷۷، ۳/۲۴۴)
۷. ابی هارون العبدی هم زمان با ابوسعید خدری زندگی می کرده است. روایت های ابوسعید به وسیله او نقل شده است. او از یاران حضرت علی (ع) بود. از روایت هایی که نقل کرده چنین نتیجه گرفته می شود. (مدنی، ۱۹۸۳، ۱/۳۹۸۸)
۸. ابن مردویه در حدیث شناسی تخصص داشت و مصنفاتی در تاریخ و تفسیر قرآن داشت. سال ۴۰۶ از دنیا رفت. او در کتاب خود روایت غدیر را به نقل از جدش ثبت کرده است. دو نسل قبل از خود که حدود قرن سوم می شود. (ابو مخرمه، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۳/۲۲۶)
۹. خلف بن سالم روایات پیامبر ﷺ را ثبت کرده است (مسند روایات) کثیر الحدیث بود. در سال ۲۳۱ در بغداد درگذشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۷/۲۵۳)
۱۰. یحیی بن حماد ثقه، کثیر الحدیث و عابد بوده است. سال ۲۱۵ از دنیا رفت. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۷/۲۲۳۷: ۲۹۷/۱)
۱۱. ابو عوانه ثقه و راست گو است. ابو عوانه سال ۱۷۶ از دنیا رفته است. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۷/۲۱۷)
۱۲. سلیمان بن مهران، ثقه، حافظ و عارف به قرآنات بود. در روایت دچار تدلیس می شد. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۵/۲۱۰۶)
۱۳. حبیب بن ابی ثابت دربار او در کتب رجالی مطلبی نیست. یکی از شیوه های روایات طبری اوست. او ثقه بوده و در نزد مردم جایگاه داشت. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲/۲۹۷)
۱۴. خلف بن سالم روایات پیامبر ﷺ را ثبت کرده است (مسند روایات) کثیر الحدیث بود. در سال ۲۳۱ در بغداد درگذشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۷/۲۵۳)
۱۵. احمد بن عبدالله البزاز معروف به ابن حجاج، از شیعیان، ثقه بوده و تألیفاتی دارد. از جمله تألیفات او جمع اوری «آنچه بر پیامبر نازل شده» است. حدیث غدیر از جمله آنهاست. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰) او سال ۳۲۸ زنده بود (مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۴/۴۰۵).
۱۶. اکثر رجال یون اهل سنت او را ثقه دانسته و به راست گو بودن او تأکید دارند. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۷/۱۴۲۷)
۱۷. ابوزرعه می گوید که ابو عبدالله گفته است: «ابن شوذب فردی بزرگ و صالح بود. از او جز خیر چیز دیگر نشنیدیم». (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۴/۴۰۸)
۱۸. مطر الوراق راست گو بود و خطا بسیار داشت. (ابوالشیخ، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳/۱۴۶)



از ابی هریره. افراد این سلسله‌سند به جز ابی هریره<sup>۱</sup> و شهر بن حوشب<sup>۲</sup> موثق و راست‌گو هستند. به دلیل عدم انگیزه جعل دو فرد یاد شده و هم‌خوانی محتوایی روایت با روایات دیگر از اعتبار روایت کاسته نمی‌شود. این روایت توسط احمد بن عبدالله بزاز (در سال ۳۲۸ زنده بوده است و زمان مرگ او مشخص نیست) که شیعه و از ثقات است ثبت شده است.<sup>۳</sup> سلسله‌سند روایت پنجم (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) عبارتند از: احمد بن منصور الرمادی حدثنی<sup>۴</sup> عبدالرزاق<sup>۵</sup> حدثنا اسرائیل عن ابی اسحاق<sup>۶</sup> عن سعید بن وهب<sup>۷</sup> و عبدخیر (برقی، ۱۳۴۲) است و راویان این سلسله‌سند از افراد راست‌گو و موثق هستند. گزارش تاریخی دیگر که در آن به واقعه غدیر اشاره شده است نامه عمرو بن عاص به معاویه بعد از جریان عثمان است. در این نامه عمرو عاص به فضایل حضرت علی علیه السلام، واقعه غدیر و جانشینی ایشان اشاره دارد (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۱۹۹-۲۰۰).

گزارش‌هایی نیز در قالب شعر به واقعه غدیر خم و ولایت حضرت علی علیه السلام در کتاب **مناقب امیر المؤمنین** اشاره دارد. دو گزارش به نقل از بدیع الزمان<sup>۸</sup> (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) و یک روایت به نقل از سید حمیری (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق؛ کشی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۵۸۰/۲)، یک شعر از قول مردم کوفه (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) و یک شعر از قول حسان بن ثابت (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) در موضوع ولایت حضرت علی علیه السلام آمده است.

### دوم) ردیابی روایات غدیر کتاب مناقب خوارزمی در منابع فریقین

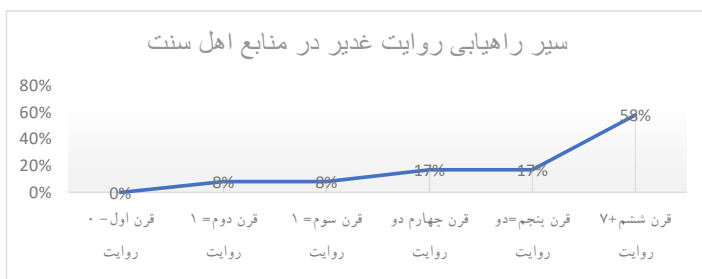
واقعه غدیر از جریان‌های مهم اسلامی و تعیین‌کننده جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در امر خلافت است. بر همین اساس حکومت‌ها مخالف ثبت چنین واقعه‌ای در کتب تاریخی بودند. حکومت عباسیان خود را وارث پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانستند. سیاست آنها ایجاب می‌کرد که مدعی

۱. از صحابه بوده است. در کتب رجالی او هم توثیق شده و هم تردید در روایاتش وجود دارد. (نجاشی، ۱۳۶۵)
۲. شهر بن حوشب اشعری اهل شام بود. روایات مرسل و دارای وهم بسیار دارد. به صداقت او در منابع اشاره شده است. (مامقانی، ۱۴۳۱ هـ.ق، ۱۴۷/۳۵)
۳. احمد بن عبدالله البزاز معروف به ابن حجاج از شیعیان، ثقة بوده و تألیفاتی دارد. از جمله تألیفات او جمع‌آوری «آنچه بر پیامبر نازل شده» است. حدیث غدیر از جمله آنهاست. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰) او سال ۳۲۸ زنده بود (مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۴۰۵/۴).
۴. احمد بن منصور الرمادی، ثقة و متمایل به تشیع بود. در سال ۲۶۵ از دنیا رفت. (ابن حنبل، ۱۴۳۰ هـ.ق، ۴۷۳/۱)
۵. عبدالرزاق، ثقة و حافظ در سال ۱۲۶ به دنیا آمد. (ابن حنبل، ۱۴۳۰ هـ.ق، ۶۷/۱).
۶. اسرائیل و پدرش از راویانی هستند که از براء بن عازب صحابه رسول خدا روایت نقل کردند. از افراد دیگر نیز روایت نقل کردند. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۲۱)
۷. از اصحاب حضرت علی علیه السلام بود. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۶۷؛ خویی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۹۳/۸)
۸. از اصحاب حضرت علی علیه السلام بود. (برقی، ۱۳۴۲، ص ۶؛ خویی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۸۶/۹)
۹. سال ۳۵۸ در همدان به دنیا آمد و در سال ۳۹۸ از دنیا رفت. او امامی مذهب و دارای مقامات عجیب بود. او ادیب، شاعر، کاتب و لغوی بود. (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۵۸/۱)





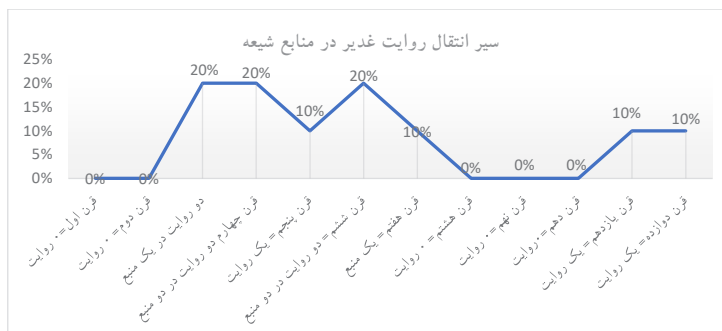
حکومت از دوراه شوند. در ابتدای حکومت مدعی بودند ابوهاشم و دیعه امامت را به آنها سپرده است. در ادامه سیاست جایگزین مطرح شد و آنها از اساس خود را به دلیل انتساب به عموی پیامبر ﷺ، وارث امامت و خلافت دانستند. (مؤلف مجهول، بی تا) نتیجه عملی این ادعا نادیده گرفته شدن روایت غدیر و به تبع آن عدم ثبت در منابع اولیه شد. با ثبت این روایت در منابع، مشروعیت عباسیان که با شعار الرضا من آل محمد (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴/۱۳۰) روی کار آمده بودند خدشه دار شد. براین اساس در منابع تاریخی به واقعه غدیر به ندرت اشاره شده است. مهمترین منابعی که به واقعه غدیر پرداختند مناقب نگاری و کتب روایی هستند. روایت غدیر به شیوه های مختلف نقل و به منابع مکتوب راه یافته است. از جمله منابع مکتوب، **کتاب مناقب خوارزمی** است که روایات غدیر را نقل کرده است. روایات غدیر مناقب خوارزمی در منابع شیعه و اهل سنت ردیابی و منابعی که این روایت را برای اولین بار ذکر کرده اند با تعداد فراوانی در دو نمودار نشان داده شده است.



#### نمودار ۱: رهیافت روایت غدیر در منابع اهل سنت

در منابع موجود قرن دوم در کتاب اسماعیل بن جعفر (۱۸۰ م) به واقعه غدیر برای اولین بار اشاره شده است. (اسماعیل بن جعفر، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱/۵۲۴) مسند احمد بن حنبل ماجرای رحبه را برای اولین بار آورده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲/۲۷۰). واقعه غدیر و حدیث ثقلین توسط نسائی در قرن چهارم مطرح شده است (نسائی، ۱۴۱۱ هـ.ق). در همین قرن، **الفتوح** ابن اعمش واژه ولی را در مورد حضرت علی علیه السلام به کار برده است (ابن اعمش، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۴/۲۱۸). در قرن پنجم تاریخ مدینه دمشق به تبریک گفتن عمر در روز غدیر به حضرت علی علیه السلام اشاره دارد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۲/۲۳۳). همچنین شعر حسان بن ثابت در مناقب ابن مردویه در همین قرن ثبت شده است (اصفهانی،

۱۴۲۴ هـ.ق. (۳۰۸/۱). روایات مذکور به همراه ۶ روایت دیگر (اولین بار) در مناقب خوارزمی آمده است. یکی از روایات خوارزمی گفت وگویی اصبع بن نباته با معاویه است. به دستور حضرت علی علیه السلام اصبع نامه او را برای معاویه می برد. معاویه به همراه اطرافیان خود در مجلسی نشسته بود که اصبع نامه را به او می دهد و گفت وگویی بین او و افراد مجلس انجام می شود که در این گفت وگو اصبع به ماجرای غدیر اشاره می کند. این روایت را اولین بار خوارزمی ذکر کرده است. بسامد این روایت در منابع بعدی نیز ارجاع به **کتاب مناقب خوارزمی** است. این روایت در کتاب های **تذکره الخواص ابن جوزی** (ابن جوزی، ۱۴۲۶ هـ.ق. ۴۰۲/۱)، **احقاق الحق** (نستری، ۱۴۰۹ هـ.ق. ۲۵۷/۶)، **عوامل العلوم** (بحرانی، ۱۳۸۲) و **الغدیر** (امینی، ۱۴۱۶ هـ.ق. ۴۰۴/۱) با استناد به **کتاب مناقب خوارزمی** ذکر شده است.



نمودار ۲: رهیافت روایت غدیر در منابع شیعی

از مجموع دوازده روایت کتاب خوارزمی یازده روایت آن در منابع شیعی قبل و بعد از خوارزمی آمده است. اولین منبع شیعی، **کتاب مناقب محمد بن سلیمان کوفی** است. دو روایت از غدیر، شعر حسان بن ثابت و تبریک گفتن عمر به حضرت علی علیه السلام در این منبع در قرن سوم آمده است. (کوفی، ۱۴۱۲ هـ.ق) در کتاب **المسترشد**، **روایت غدیر و حدیث ثقلین** (طبری امامی، ۱۴۱۵ هـ.ق) و در کتاب **نهج البلاغه**، نامه حضرت علی علیه السلام به معاویه (سید رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق) از منابع قرن چهارم است که به غدیر اشاره دارند. در قرن پنجم، شیخ طوسی در امالی عنوانین جانشینی از جمله واقعه غدیر را آورده است (طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق). قرن ششم در کتاب **الاحتجاج** طبرسی به ماجرای رحبه (طبرسی، ۱۴۰۳ هـ.ق. ۲۲۹/۱) و در کتاب **مناقب ابن شهر آشوب** به شعر سید حمیری اشاره شده است. نامه عمرو عاص به معاویه و شمردن فضایل حضرت





علی (علیه السلام) در این نامه در **کتاب تذکره الخواص** ابن جوزی و **کامل بهایی** در قرن هفتم ذکر شده است (طبری، ۱۳۸۳). در شعر بدیع الزمان به واژه «ولی» بودن حضرت علی (علیه السلام) اشاره شده است. در **احقاق الحق** تستری (تستری، ۱۴۱۹، ۱۴/۲۱) و روایت دیگر با این مضمون در بحار آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۴۵/۳۸). علامه بحرانی به شعر سید حمیری در **کتاب اثبات الهداه** اشاره می‌کند (بحرانی، ۱۳۸۲، ۳/۳۱۶). با ردیابی روایت غدیر مناقب خوارزمی در منابع شیعی و اهل سنت و مقایسه منابع با یکدیگر مشخص می‌شود که هر دو گروه درصدد نقل روایات غدیر بودند. نقل واقعه غدیر در قرن سوم، چهارم، پنجم و ششم در هر دو گروه مشهود است. روایاتی که خوارزمی برای اولین بار آورده است:

شعر سید حمیری در منابع دیگر مانند مناقب ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳/۳۳۲) آمده است، اما شعر حمیری در نقل خوارزمی وضوح بیشتری داشته و به کلمات غدیر و روایت آن اشاره دارد. شیخ حرعاملی در **کتاب اثبات الهداه** (حرعاملی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۳/۳۱۶) شعر سید حمیری را با استناد به **کتاب مناقب** خوارزمی آورده است.

در شعر بدیع الزمان واژه «مولی» درباره حضرت علی (علیه السلام) به کار رفته است. نقل این شعر در کتاب **احقاق الحق** تستری شبیه نقل خوارزمی است (تستری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۱/۱۴).

حضرت علی (علیه السلام) در پاسخ معاویه نامه‌ای می‌نویسد و به وسیله اصبغ بن نباته نامه را ارسال می‌کند. وقتی اصبغ وارد مجلس معاویه می‌شود افرادی حضور داشتند. اصبغ با رساندن نامه با افراد حاضر در مجلس درباره حقانیت حضرت علی (علیه السلام) گفت‌وگو می‌کند. از جمله مباحث مورد احتجاج اصبغ واقعه غدیر است، این روایت اولین بار توسط خوارزمی نقل شده است. در **کتاب احقاق الحق** (تستری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶/۲۵۷)، **عالم العلوم** (بحرانی، ۱۳۸۲) و **الغدیر** (امینی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱/۴۰۵) این روایت به نقل از خوارزمی آمده است.

معاویه از عمرو عاص می‌خواهد که در جنگ با حضرت علی (علیه السلام) او را یاری کند. عمرو عاص در پاسخ به معاویه نامه‌ای می‌نویسد و در آن از جایگاه حضرت علی (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌گوید. در این نامه به غدیر استناد شده است. (خوارزمی، ۱۴۱۱ هـ.ق) نامه مذکور اولین بار در مناقب خوارزمی ذکر شده است. منبع شیعی که پس از خوارزمی این نامه را نقل کرد کامل بهائی است (طبری، ۱۳۸۳). طبری در نقل این روایت، سندی نقل نمی‌کند؛ دو روایت در این دو

کتاب شباهت لفظی کامل دارند. در کتاب‌های **احقاق الحق** (تستری، ۱۴۰۹ ه.ق، ۵/۵۲) و **الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهرا** (انصاری زنجانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۱۹/۱۲۴) به نقل خوارزمی ارجاع داده شده است. شباهت هر دو نقل در کتاب **کامل بهائی**، **مناقب خوارزمی** و همچنین ارجاع منابع بعدی به **مناقب خوارزمی** نمایانگر این است که این روایت توسط خوارزمی نقل شده است.

## جدول ۱

### جدول موضوعی روایات و منابع آن

ردیف	موضوع کلی	موضوعات جزئی	اولین منبعی شیعی	اولین منبع اهل سنت	آدرس در کتاب مناقب خوارزمی
۱	بحث جانشینی با عناوین مختلف	فتح خیبر، غدیر خم، حدیث منزلت، تقاتل علی التّأویل كما قاتلت علی التّنزیل، خواندن آیات برائت، عناوینی مانند عروه الوثقی، ولی کل مؤمن، امام کل مؤمن	امالی شیخ طوسی، ص ۳۵۱	مناقب خوارزمی	ص ۶۱
۲	بیان واقعه غدیر خم	بیان آیه اکمال دین، ولایت حضرت علی <small>علیه السلام</small> ، شعر حسان بن ثابت که کلمه ولی و مولی در آن آمده است	مناقب الام، محمد بن سلیمان کوفی (۱۱۸/۱)	مناقب علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> ، (ابن مردویه، ۱۴۲۴ ه.ق، ۸/۳۰۸)	ص ۱۳۵
۳	واقعه غدیر	روایت حدیث ثقلین و استفاده از کلمه ولی و عاد من عاداه	المستترشد فی امامه علی بن ابی طالب	سنن النسائی (نسائی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۵/۴۵)	ص ۱۵۴
۴	غدیر	روژه روز عید غدیر مساوی با ۶۰ سال عبادت است. بیان واقعه غدیر، بیان تبریک عمر به حضرت علی <small>علیه السلام</small> و تصریح او به مولا و ولی کل مسلمین بودن او.	مناقب الامام علی بن ابی طالب (کوفی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۴۰۳/۱)	تاریخ مدینه دمشق (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ه.ق، ۲۳۳/۴۲)؛ تذره الخواص (ابن جوزی، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۶۴)	ص ۱۵۶
۵	ماجرای رحبه	روایت غدیر توسط حضرت علی و شهادت اصحاب	الاحتجاج علی اهل اللجاج (طبرسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱/۲۲۹)	مسند الامام احمد بن حنبل (۱۴۱۶ ه.ق، ۲/۲۶۹)	ص ۱۵۶ و ۱۵۷
۶	شعری از قول سید حمیری	یادکرد از روز غدیر خم، کار بردن کلمه ولی	اثبات الهداه (حرعاملی، ۱۴۲۵ ه.ق، ۳/۳۱۶)	مناقب خوارزمی	ص ۱۶۲ و ۱۶۳
۷	شعر از قول بدیع الزمان ابی الفضل احمد بن الحسین الهمدانی	کاربرد کلمه ولی در شعر	احقاق الحق و ازهاق الباطل (تستری، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۴/۲۱)	مناقب خوارزمی	ص ۱۶۳
۸	نامه عمرو عاص به معاویه	در نامه به روز غدیر خم، روایت غدیر، حدیث ثقلین، روایت روز یوم الطیر (ولایت امام علی <small>علیه السلام</small> در آن مطرح شده) اشاره شده است.	کامل بهایی، ص ۵۷۴	مناقب خوارزمی	ص ۱۹۹ و ۲۰۰



۹	نامه علی (علیه السلام) به معاویه	اشاره به کلمه ولی بودن علی	نهج البلاغه ص ۳۶۷	مناقب خوارزمی	ص ۲۰۴
۱۰	حضور اصغ بن نباته برای رساندن نامه علی (علیه السلام) در جمع معاویه و دوستانش	گفت‌وگوی اصبع با اطرافیان معاویه و یادآوری روایت غدیر		مناقب خوارزمی	ص ۲۰۵
۱۱	القاب حضرت علی (علیه السلام)	خوارزمی حدود ۶ صفحه برای حضرت علی (علیه السلام) منقبت ذکر کرده که در ضمن آن اشاره به ولایت و روز غدیر کرده است		مناقب خوارزمی	ص ۴۵ تا ۴۰
۱۲	شعری از قول بعضی از اهل کوفه در روز صفین	اشاره به کلمه (مولى المؤمنین و اخی الرسول) معا	بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۴۵/۳۸)	الفتوح (ابن اعثم، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۲۱۸/۴)	ص ۵۰

### ۳-۴. بررسی محتوایی روایات

خوارزمی از واژه «ولی» و مشتقات (۴۴ بار از واژه ولی و مشتقات آن) آن برای بیان جانشینی بهره برده است. به نظر می‌رسد استفاده خوارزمی از واژه «ولی» و «ولایت» به مفهوم جانشینی است؛ زیرا روایات زیادی وجود دارد که برای بیان دوست داشتن از واژه «حب» و مشتقات آن استفاده کرده است. بنابراین، اگر قرار بود ولی به مفهوم دوست داشتن باشد نباید روایت‌ها را در باب‌های جداگانه ذکر می‌کرد. شاید برای واژه ولی مفهوم جدیدی جعل کرد و اذعان داشت که خوارزمی چنین مفهومی را اراده کرده است. مواردی که از واژه ولی استفاده شده است از قرار ذیل است:

خوارزمی واقعه غدیر خم و کلمه ولی را در دوازده روایت به‌گونه‌های مختلف بیان کرده است. بایسته است سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ابتدا تا انتهای واقعه غدیر خم و اکاوی شود. کاربرد واژه‌ها در سخنرانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات مرتبط با این واقعه که در متن سخنرانی است، نمی‌تواند برای واژه ولی، مفهوم دوست داشتن را اراده کند. خوارزمی در روایت‌های بسیاری سفارش به دوست داشتن امام علی (علیه السلام) را از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌آورد که در این روایت‌ها از

۱. روایت‌هایی که در آنها از واژه حب استفاده شده است ۲۱ روایت است: «علی دوست داشتنی‌ترین فرد نزد خداست، خدا و پیامبرش را دوست دارد و آنها نیز او را دوست دارند»؛ «فرشتگان مرگ بر محبین علی رحم می‌کنند، به بهشت وارد می‌شوند»؛ «در قیامت هر کسی نداشتند، فرشتگان تا قیامت برای آنها طلب آمرزش می‌کنند»؛ «پرتترین اعمال حب علی است»؛ «خوشبخت‌ترین افراد محبین علی و بدبخت‌ترین افراد مغضبین علی هستند»؛ «کسی که بغض علی دارد مؤمن نیست». یک روایت درباره دشنام‌دهندگان علی که دشنام‌دهندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) هست، یک روایت در اینکه خدا و پیامبرش علی را دوست دارند. کاربرد عبارت «موده ذی القربی» هنگام بیعت با عثمان بود که امام علی (علیه السلام) فرمود: «خدا فرمان داد علی (علیه السلام) را دوست بداری، دوست دار علی (علیه السلام) را نیز. او را به خاطر من دوست بداری و احترام کنی، هر کس علی را دوست بدارد مرا..... ای علی کسی تو را بد ندارد مگر اینکه با پدرش شریک می‌شوم، هر کس با کینه علی بر روی زمین راه برود غاصب است و حرام راه رفته، منافقان از روی کینه با علی شناخته می‌شوند» (در مجموع حدود ۳۷ روایت).

واژه حب و مودت استفاده کرده است. بنابراین، چگونه به ناگاه در روز غدیر خم از خداوند دستور می‌رسد که «مردم را نگه دار و به آنها اعلام کن که امروز با سفارش به دوست داشتن علی علیه السلام دین کامل می‌شود. اگر تا به حال پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست داشتید، حال باید علی علیه السلام را دوست بدارید». مفهوم آغاز روایت با انتهای روایت با معنی دوست داشتن همخوانی ندارد. (لالائی، ۲۰۰۴)

براساس دوگونه روایتی که خواریزی نقل می‌کند به نظر می‌رسد او واژه ولی را به مفهوم محبت نمی‌داند. روایت اکمال دین با معرفی جانشین در یک روایت و حدیث ثقلین به همراه ولایت حضرت علی علیه السلام در روایت دیگر حاکی از انجام یک تکلیف است؛ تکلیفی که عملی باید باشد. درحالی‌که دوست داشتن یک احساس است، احتمال دارد منجر به عمل شود و احتمال خلاف آن نیز هست. ضمانت اجرایی در واژه حب نیست؛ زیرا بحث در مورد آن اخلاقی است. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام می‌کند که دین با قبول جانشینی که خدا تعیین می‌کند، امکان پذیر است، این قبول کردن تبعاتی دارد که اطاعت‌پذیری مهمترین ره‌آورد این پذیرش است. همچنین همسان دانستن عترت با **قرآن** و جدا نشدن این دو با هم تا قیامت، مفهومی احساسی نیست. **قرآن** کتاب دینی مسلمانان است و قوانینی دارد که مسلمانان باید به آن عمل کنند و در صورت عدم عمل از دایره ایمان خارج می‌شوند. خطاب‌های **قرآن**: «یا ایها الذین آمنوا و عملوا الصالحات» به بعد عملی ایمان صحیح اشاره دارد. با این تعابیر دستورات عترت پیامبر صلی الله علیه و آله که همسان **قرآن** است باید مورد اطاعت قرار گیرد. بنابراین، واژه ولی نمی‌تواند صرف یک مفهوم احساسی باشد و عمل در آن نادیده گرفته شود. در روایاتی واژه حب و ولی با هم آمده است که اگر هم معنا باشند نباید دو واژه هم معنا در یک روایت استفاده شود. برای مثال می‌توان به این روایت اشاره کرد: «هرکس دوست دارد چون من بمیرد و زندگی کند ولایت امام علی و فرزندان او را داشته باشد» (خواریزی، ۱۴۱۱ ه.ق، روایت ۱۷۵). این روایت درباره تبعیت در سبک زندگی است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله ادعا می‌کند هرکس دوست دارد (محبت) چون من زندگی کند یا بمیرد باید از امام علی علیه السلام تبعیت کند. اگر ولی به مفهوم دوست داشتن باشد معنای روایت نامفهوم می‌شود. در روایت دیگر چنین می‌گوید: «علی را رها نکنید، او مولای شماست. پس دوستش بدارید» (خواریزی، ۱۴۱۱ ه.ق، روایت ۳۱۶). در انتهای روایت، واژه حب به مفهوم دوست داشتن آمده است و اگر واژه مولی به معنی دوست باشد دو



جمله هم معنا در کنار هم است: «امام علی علیه السلام را رها نکنید او دوست شماست، پس دوستش بدارید». این جمله هم از نظر ادبی و هم از نظر مفهومی خدشه دار می شود.

روایت هایی که امام علی علیه السلام را مانند پدر برای امت معرفی می کند مانند روایت «حق علی بر مردم مانند حق پدر بر فرزند است» (خوارزمی، ۱۴۱۱ ه.ق، روایت ۳۲۷) آیا حق پدر بر فرزند، دوست داشتن است. در قرآن و روایات برای پدر حقوقی بیان شده که فرزند ملزم به رعایت آن است مانند احترام کردن، اطاعت تا زمانی که مخالفت امر الهی نباشد (ر.ک.، اسراء: ۲۳) و موارد دیگر که نمی توان با مفهوم دوست داشتن به آن عمل کرد.

#### ۴. نتیجه گیری

با بررسی روایات غدیر در کتاب مناقب خوارزمی مشخص می شود که خوارزمی دوازده روایت در مورد واقعه غدیر نقل کرده است. از بین دوازده روایت، سلسله سند هفت روایت به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ختم می شود و سلسله اسناد روایات، همه از افراد موثق و راست گو هستند. روایتی که توسط ابی هریره نقل شده است به دلیل موثق بودن سلسله روایات (به جز ابی هریره) و تطبیق محتوای روایت با سایر روایات، اعتبار لازم را دارد. یک روایت نیز از قول اصبع بن نباته بدون سلسله سند در مناقب وجود دارد که به دلیل وثاقت اصبع، اعتماد نویسندگان شیعه به این روایت و متن روایت مورد پذیرش است. به نظر می رسد منابعی در دست خوارزمی بوده است که این روایت را از آن نقل کرده است. راوی چهار روایت، خود خوارزمی است. تعدادی از روایاتی که خوارزمی از واقعه غدیر نقل می کند در منابع قبل نیز آمده است. نویسندگان شیعه با استناد به روایاتی که خوارزمی برای اولین بار ذکر می کند روایت را در قرون بعدی نقل کرده اند. روایات او نوگزاره نبوده و از نظر متن و محتوا با روایات دیگر تطبیق می کند. وی حدود شش صفحه فضایل حضرت علی علیه السلام را در مقدمه بحث ذکر می کند. او با توجه به اعتقادات خود چنین فضایی را برای امام علیه السلام شمرده و به غدیر نیز در ضمن آن اشاره دارد. با بررسی این مقدمه و بررسی محتوایی روایات به نظر می رسد که خوارزمی واژه ولی را به مفهوم دوستی و محبت نمی داند.





## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ هـ.ق). *مسند*. قم: مؤسسه الرساله.
۲. ابن داود حلی، شیخ تقی الدین حسن بن علی (۱۳۴۲ هـ.ق). *الرجال*. تهران: دانشگاه تهران.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ هـ.ق). *الطبقات الكبرى*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰). *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعہ و اسماء المصنفین منهم قدیمًا و حدیثًا* (تتمه کتاب الفهرست للشیخ ابی جعفر الطوسی). نجف: المطبعه الحیدریه.
۵. ابن عساکر (۱۴۱۵ هـ.ق). *تاریخ مدینه دمشق*. بیروت: دارالفکر.
۶. ابن قانع بغدادی، عبدالباقی (۱۴۲۴ هـ.ق). *معجم الصحابه*. بیروت: دارالفکر.
۷. ابواسحاق مدنی، اسماعیل بن جعفر (۱۴۱۸ هـ.ق). *حدیث علی بن الحجر السعدی*. ریاض: مکتب الرشید.
۸. ابوالشیخ، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ هـ.ق). *طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۹. ابومخرمه، عبدالله طیب بن عبدالله (۱۴۲۸ هـ.ق). *قلاده النحر فی وفيات اعیان الدهر*. بیروت: دارالمنهاج.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ هـ.ق). *کشف الغمه فی معرفه الاثمه*. قم: انتشارات رضی.
۱۱. اصفهانی، ابن مردویه (۱۴۲۴ هـ.ق). *مناقب علی بن ابی طالب*. قم: دارالحدیث.
۱۲. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ هـ.ق). *الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب*. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۱۳. انتصاری، عبدالصالح (۱۳۸۱). *غدریخ و پاسخ به شبهات از کتب اهل سنت*. قم: مکتبه الداوری.
۱۴. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل (۱۴۲۸ هـ.ق). *الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهراء*. قم: انتشارات دلیل ما.
۱۵. انصاری، حسن (۱۳۹۰). *مناقب خوارزمی و نسخه های کهن آن*، (مقالات حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام). مشاهده شده در وبلاگ بررسی های تاریخی.
۱۶. بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۳۸۲). *عواالم العلوم و المعارف*. قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام.
۱۷. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲). *کتاب الرجال*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. بستانی، قاسم (۱۳۸۵). *معیارهای نقد حدیث و حدیث الغدیر. نشریه شیعیه شناسی*، ۱۳، ۹۱-۱۰۶.
۱۹. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ هـ.ق). *انساب الاشراف*. بیروت: دارالفکر.
۲۰. تستری، قاضی نورالله (۱۴۰۹ هـ.ق). *احقاق الحق و ازهاق الباطل*. به اهتمام: محمود المرعشی. قم: مکتبه آیت المرعشی النجفی.
۲۱. تفرشی، مصطفی بن حسین (۱۳۷۷). *نقد الرجال*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ هـ.ق). *اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات*. بیروت: انتشارات الاعلمی.
۲۳. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۸۰). *شواهد التنزیل*. مترجم: روحانی. قم: دارالهدی.
۲۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱). *ترتیب خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۵. خوارزمی، ابی المؤید موفق بن احمد المکی (۱۳۸۱). *مقتل الحسین*. محقق: سماوی، محمد. بی جا، انتشارات انوارالهدی.
۲۶. خوارزمی، موفق الدین (۱۴۱۱ هـ.ق). *مناقب امیرالمؤمنین*. قم: جامعه مدرسین.
۲۷. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ هـ.ق). *معجم رجال الحدیث*. قم: مرکز نشر آثار شیعیه.
۲۸. زینلی، غلامحسین (۱۳۷۶). *ویژگی های الغدیر. نشریه فرهنگ کوثر*، ۲، ۴۸-۵۵.
۲۹. سبط ابن جوزی (۱۴۱۸ هـ.ق). *تذکره الخواص*. قم: منشورات الشریف الرضی.
۳۰. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ هـ.ق). *نهج البلاغه*. مصحح: صبحی صالح. قم: انتشارات هجرت.
۳۱. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات.
۳۲. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). *التفسیر الكبير: تفسیر ال قرآن العظیم (الطبرانی)*. اردن: دارالکتاب الثقافی.
۳۳. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۳۳ هـ.ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. مشهد: انتشارات مرتضی.
۳۴. طبری امامی، محمد بن جریر (۱۴۱۵ هـ.ق). *المستترشد فی امامه علی بن ابی طالب*. قم: انتشارات کوشان پور.
۳۵. طبری، عمادالدین حسن بن علی (۱۳۸۳). *الکامل فی السقیفه*. تهران: انتشارات مرتضوی.
۳۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الامم و الملوک*. بیروت: دارالتراث.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*. قم: جامعه مدرسین فی الحوزه العلمیه.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ هـ.ق). *الامالی*. قم: دارالثقافه.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ هـ.ق). *فهرست کتب الشیعیه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول*. قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.



۴۰. کوفی، ابن اعثم (۱۴۱۱ هـ.ق). **الفتوح**. بیروت: دارالاضواء.
۴۱. کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۱۲ هـ.ق). **مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب** علیه السلام. قم: مجمع احیاء الثقافه.
۴۲. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ هـ.ق). **اختیار معرفه الرجال**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۴۳. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۸). **سفرنامه های خطی فارسی**. تهران: نشر اختران.
۴۴. لالانی، آرزینا (۲۰۰۴). **الفکر الشیعی المبکر** (تعالیم الامام محمد الباقر). مترجم: قصیر، سیف الدین. بیروت: دارالساقی.
۴۵. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ هـ.ق). **تأویلات اهل السنه** (تفسیر الماتریدی). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۶. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷). **جانشینین محمد**. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۷. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ هـ.ق). **منتهی المقال فی احوال الرجال**. قم: احیاء التراث.
۴۸. مازندرانی، ابن شهر آشوب (۱۳۷۹). **المناقب**. قم: نشر علامه.
۴۹. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ هـ.ق). **تنقیح المقال فی علم الرجال**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هـ.ق). **بحار الانوار**. بیروت: احیاء التراث العربی.
۵۱. مدنی، علیخان بن احمد (۱۹۸۳). **الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه**. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۵۲. مستوفی هروی، محمد بن احمد (۱۳۷۲). **ترجمه الفتوح**. محقق: طباطبایی، غلامرضا. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۵۳. منتجب الدین، علی بن عبیدالله (۱۳۶۶). **الفهرست**. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۵۴. مؤسسه امام صادق علیه السلام، گروه علمی (۱۴۱۸ هـ.ق). **موسوعه طبقات الفقها**. قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۵۵. مؤلف مجهول (قرن سوم هجری) (بی تا). **اخبار الدوله العباسیه و فیہ اخبار العباس وولده**. محقق: دکتر عبد العزیز الدوری دکتر عبد الجبار المطلیبی. بیروت: دار الطلیعه للطباعه و النشر.
۵۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). **رجال النجاشی**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۷. نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ هـ.ق). **السنن الکبری**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۸. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ هـ.ق). **مستدرکات علم رجال الحدیث**. تهران: بی نا.

